

عبدالستار لاهوری: نویسنده فراموش شده دربار پادشاه اکبر و جهانگیر

♦ شاهد عالم

چکیده

عبدالستار لاهوری نویسنده‌ای فراموش شده از دوران پادشاه اکبر و جهانگیر است که اطلاعات دقیقی درباره وی در دست نیست و آنچه درباره وی می‌دانیم از روی کتاب تازه دریافتش «مجالس جهانگیری» و نوشته‌های برخی دوستانش است.

عبدالستار لاهوری یکی از تواناترین منشیان، مذهب‌شناسان و تاریخ‌نویسان دربار پادشاه اکبر و جهانگیر بوده است. وی در باب مطالعات مذاهب سرشناس بوده و از تاریخ و علوم اسلامی و مسیحی و مسایل آنان به‌خوبی آگاه بود. وی همچنین از شعر و اصطلاحات ادبی و اصول و فنون گوناگون ادبیات بهره‌ای وافر داشت.

عبدالستار لاهوری در بداهه‌گویی نیز دست داشت و اکثر ابیات یا اشعار وی که فی‌البدیهه سروده در کتاب «مجالس جهانگیری» آمده است. وی علاوه بر تسلط بر زبان فارسی و عربی در زبان پرتغالی نیز مهارت داشت و کتاب‌هایی را از پرتغالی به فارسی برگردانده است. کتاب «یوسف یهود»، «جاویدان خرد»، «سمره‌الفلاسفه»، «خلاصه گزیده ظفرنامه»، و «مجالس جهانگیری» و غیره از آثار مهم اوست. در این مقاله به احوال عبدالستار لاهوری و اهمیت ادبی آثار وی پرداخته شده است.

♦ پژوهشگر، مرکز مطالعات آسیای میانه و آسیا، دانشگاه جواهرلال نهرو، دهلی نو. Mob: 9968746914
alamshahid9194@gmail.com

کلیدواژه‌ها

عبدالستار لاهوری، جهانگیر، مجالس جهانگیری، مرآت‌القدس، قاسم فرشته، سمرة الفلاسفة.

مقدمه

مولانا عبدالستار بن قاسم لاهوری یکی از تواناترین مترجمان، منشیان، مذهب‌شناسان و تاریخ‌نویسان دربار پادشاه اکبر و جهانگیر بوده است. وی در ابتداء به دربار پادشاه اکبر به عنوان دبیر و مترجم اشتغال داشت. پس از درگذشت پادشاه اکبر به سلک ملازمت‌جانشین وی پادشاه جهانگیر درآمد و نزد او از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار بوده. غیر از آنچه گفته شد اطلاعی درباره‌ی شخص و شخصیت وی در دست نیست و آنچه در کتب تذکره و تاریخ یافته می‌شود، مجهول است. البته آنچه درباره‌ی وی می‌دانیم از روی نوشته‌های برخی از معاصرین وی مانند زیروشموشویر و آثار خودش همچون مجالس جهانگیری وغیره است. وی در باب مطالعات مذاهب سرشناس بوده و از تاریخ و علوم اسلامی و مسیحی و مسایل آنان به‌خوبی آگاه بود. عبدالستار لاهوری بر زبان پرتغالی نیز مسلط بوده و به دستور پادشاه اکبر کتاب‌هایی بنام «مرآت‌القدس»، «داستان احوال حواریان یا وقایع حواریان دوازده گانه» را از زبان پرتغالی به فارسی ترجمه کرده است. غیر از آن «یوسف یهود»، «جاویدان خرد»، «سمرة الفلاسفة»، «خلاصة گزیده ظفرنامه»، و «مجالس جهانگیری» از آثار مهم اوست. وی همراه با ذوق ادبی و شعری در اصول و اصطلاحات شعر و ادب نیز نگاهی ژرف داشت که کتاب تازه‌دریافتش «مجالس جهانگیری» شاهد آن است. شایسته ذکر است که ابیات یا اشعاری که وی در لابه‌لای کتاب «مجالس جهانگیری» آورده است به بداهه سروده است.

احوال عبدالستار لاهوری

کشیش مسیحی زیروشموشویر در خاتمه کتاب «مرآت‌القدس»، در مورد نام کامل عبدالستار و وابستگی او به دربار اکبر و شغل وی چنین نوشته است:

«این نامه گرامی و دیباچه سعادت، بنده پادری زیروشموشویر فرنگی از طایفه صحبت (!) حضرت عیسی به حکم شاهنشاه دوران، خدیو روشن‌جان، برای

روزگار (!) جلال‌الدین اکبر پادشاه - خلدالله ملکه و سلطانه - از انجیل مقدس و دیگر کتب پیغمبران در دارالخلافة آگره فراهم آورده، مولانا عبدالستار بن قاسم لاهوری به اتفاق این بنده در همان دارالخلافة آگره ترجمه کرد در سنه هزار و شصت و دو از ولادت حضرت عیسی مسیح و چهل و هفت الهی انجام یافت. تحریر فی التاریخ هشتم ماه رمضان المبارک که در روز چهارشنبه سنه هزار و بیست و هفت^۱.

در مقدمه «مجالس جهانگیری» آمده^۲:

نسخه خطی سمره الفلاسفه که در کتابخانه لیندسیانا (Bibliotheca Lindesiana) نگهداری می‌شود، یادداشتی دارد که در آن پدر عبدالستار لاهوری، محمد قاسم فرشته مؤلف «تاریخ فرشته» نوشته شده است.

و جای دیگر پروفسور نبی‌هادی، درباره نام کامل و پدر و نسب عبدالستار لاهوری نوشته است:

“Abdul Sattar Lahori was the son of Muhammad Qasim Farishtah, the author of popular history, Gulshan-i Ibrahimī. From Bijapur, where his father lived, he came to settle in Lahore and passed his life under the patronage of Akbar and Jahangir....”^۳

(عبدالستار لاهوری پسر محمد قاسم فرشته مؤلف کتاب تاریخ معروف گلشن ابراهیمی بود. وی از بیجاپور که آنجا پدرش زندگی می‌کرد، به لاهور مهاجرت نمود و در آنجا اقامت گزید و در سرپرستی پادشاه اکبر و جهانگیر بسر برد.) معلوم نیست که پروفسور نبی‌هادی در مورد نام پدر عبدالستار لاهوری از چه منابعی استفاده کرده است.

۱. مقدمه مجالس جهانگیری، ص بیست و پنج تا بیست و شش.

۲. همان، ص بیست و شش.

3. A History of Indo-Persian Literature, Nabi Hadi, p-279.

و جای دیگر مصحح کتاب «مجالس جهانگیری» می‌نویسد که در پذیرفتن محمدقاسم فرشته به‌عنوان پدر عبدالستار باید احتیاط کرد.^۱

محمدقاسم هندوشاه معروف به قاسم فرشته در سال ۱۵۶۰م در استرآباد متولد شد. وی در زمان طفلی با پدرش غلام‌علی هندوشاه به احمدنگر آمد و بعداً در سال ۱۵۸۹م از احمدنگر به بیجاپور رفت و در همان سال به دربار سلطان ابراهیم عادل‌شاه ثانی وابسته شد. وی به دستور پادشاه عادل‌شاه ثانی، مفصل‌ترین تاریخ سلاطین هند به نام «گلشن ابراهیمی» معروف به «تاریخ فرشته» را در سال ۱۰۱۵ق/۱۶۰۷م تألیف کرد و به حکم سلطان ابراهیم عادل‌شاه در سال ۱۰۱۵ق/۱۶۰۷م به دربار جهانگیرشاه، به لاهور رفت، و آن‌جا مدتی تحت حمایت جهانگیر بسر برد. وی در سال ۱۶۲۰م در شصت‌سالگی گذشت. لذا، با قطعیت نمی‌شود گفت که قاسم فرشته و عبدالستار لاهوری پدر و فرزند بودند، و باید با مصحح مجالس جهانگیری اتفاق کرد یعنی این‌که در پذیرفتن این قول احتیاط لازم است.

عبدالستار لاهوری همچنان که گفته شد در سال ۱۶۰۲م به دربار اکبرشاه به‌عنوان مترجم اشتغال داشت^۲ و بعد از درگذشت اکبر به دربار جهانگیر راه‌یافت. او بزودی در حلقهٔ مقربان جهانگیر درآمد و با اجازهٔ وی تن به تألیف کتاب «مجالس جهانگیری» داد که دارای وقایع و گزارشات مجالس شبانهٔ جهانگیر است و جزئیات مجالس سه‌سال (۱۶۰۵ تا ۱۶۱۱م) را دربر دارد. سپس خبری از عبدالستار نیست.

اما بار دیگر در سال ۱۰۲۸هـ/۱۶۱۹م نامی از وی در ذیل واقعات سال مذکور در توزک دیده می‌شود که طبق آن وی نسخه کتابی همراه با دعوات و مطالبی در علم نجوم که حاوی دستخط پادشاه همایون بود را به‌خدمت جهانگیرشاه آورد و در صلهٔ آن هزار روپیه انعام یافت^۳. این ممکن است که عبدالستار لاهوری با هم‌عصران خود چشمک معاصرانه داشته و حسادت آنان موجب غیبت ناگهان وی گردید، و اما بعید

۱. مقدمه، مجالس جهانگیری، ص بیست و شش.

۲. همان، ص بیست و پنج تا بیست و شش.

۳. توزک جهانگیری، ص ۳۰۲ تا ۳۰۳.

نیست که وی در سال ۱۶۱۹ یا اندکی بعد از آن در گذشته باشد و بدین علت اطلاعی راجع به او در کتب تاریخ و تذکره یافت نمی‌شود.

عبدالستار لاهوری در دربار جهانگیر

عبدالستار لاهوری همچنان که گفتیم پس از اکبر به جهانگیر وابسته شده و در زمره مقربان وی قرار داشت. می‌دانیم که وی در حوزه مطالعات مذاهب سرشناس بوده است. کشیشان نصارای فرنگی و پرتغالی از مطالعات عمیق او در ضمن انجیل و کتب نصارا تعجب می‌کردند. یکی از کشیشان مسیحی در زمان جهانگیر، نظر خود درباره عبدالستار لاهوری را چنین عرضه نموده است:

«دعاها می‌کنیم که خدا عبدالستار را به ما دهد و دین ما نصیب او شود، امیدواریم که به حکم عالی نصرانی گردد»^۱.

مهتاب‌خان بابت فهم مذاهب عبدالستار این نظر را دارد:

«ما را بر فهم و فهمیدگی عبدالستار اعتماد تمام است و خدا می‌داند که اگر او به دین شما درآید، ما هم در ساعت همین دین شما اختیار می‌کنیم...»^۲.
و جای دیگر خان اعظم در مورد حضور داشتن او همین‌طور بیان نموده:
«عبدالستار درین مقدمات خوب حاضر است»^۳.

دربار جهانگیر مرکز مباحث علمی و فرهنگی بوده و خود جهانگیر نیز مانند پدرش به این مباحث علاقه فراوان داشت. در آن مباحث کشیشان مسیحی فرنگی و علمای اسلام و مذاهب دیگر با هم مناظره می‌کردند. عبدالستار لاهوری نیز در آن مجالس شرکت می‌جست و در مسایل دینی، نقد و نظر و آرای خود را دلیل و برهان و نظری بر عقاید مسیحیان و مسلمانان پاسخ می‌داد. از این دسته واقعات در کتابش «مجالس جهانگیری» به فراوانی دیده‌شود. پادشاه جهانگیر از مطالعه دقیق و نظر عمیق وی در دین مسیحی و از دانش و هوش و استعداد و حاضر جوابی او قدردانی و تشویق می‌کرد

۱. مجلس بیست و نه، مجالس جهانگیری، ص ۷۱.

۲. همان.

۳. مجلس چهاردهم، همان، ص ۳۰.

و او را «عبدالستار عیسوی» خطاب می‌کرد^۱ و گفته:

«پیش ازین پنج شش روز عبدالستار در محفل مقدس احوال حضرت عیسی که از انجیل و دیگر کتب نصارا درین دولت به اتفاق پادریان به فارسی ترجمه کرده است، می‌خواند و چون به شوق تمام می‌خواند، به خاطر ملکوت‌ناظر ما گذشت که همانا عبدالستار عبدالستار عیسوی باشد. ورنه به این‌همه شوق خواندن و این‌چنین به آب و تاب نقل کردن و گذراندن چه معنی دارد»^۲.

طبیعی است که صاحب‌نظری مانند عبدالستار ذوق ادبی و شعری نیز داشت^۳. وی اشعار متقدمین و معاصرین را به حفظ داشت و هر جا که لازم می‌دید می‌خواند و راجع به آن ابراز نظر می‌کرد. وی در شعر از مقلدان امیرخسرو و سعدی بوده و سعدی را بزرگترین شاعر می‌دانست^۴. وی در فن شعر و اصطلاحات و دقایق آن نیز صاحب‌نظر بوده و بر شعر شاعران دربار جهانگیر نقد می‌کرد و گاهی اصلاح پیشنهاد می‌داد که مورد پسند و قبولیت قرار می‌گرفت و خود جهانگیر بر نقد و نظر او اعتماد داشت^۵. اما عبدالستار لاهوری علاقه‌ای به شناساندن خود به عنوان شاعر نداشت و در این باب می‌نویسد: «شاعر نیستم که عبارت‌آرایی کنم...»^۶. و «از تهمت شاعری و بادفروشی ملاحظه‌کرده از شرح مراتب خوبی‌های آن قلم بازمی‌دارد»^۷. با این‌حال، در لابه‌لای کتاب مجالس جهانگیری ابیاتی از خود آورده که عمدتاً به بداهه سروده است. و البته این غیر از ابیاتی است که از دیگران در نوشته‌اش درج نموده است. مثل این دوبیت که از بوستان سعدی آورد:

خدا! تو این شاه درویش دوست که آسایش خلق در ظل اوست

۱. مجلس چهاردهم، مجالس جهانگیری، ص ۳۴.

۲. همان.

۳. نقد و تحقیق، شماره ۲، ص ۵۶.

۴. مجلس صد و چهار، مجالس جهانگیری، ص ۲۵۶.

۵. مجلس پانزدهم، همان، ص ۳۸.

۶. مجلس هشتادم، همان، ص ۱۹۳.

۷. همان و مقدمه مجالس جهانگیری، ص بیست و هشت.

بسی بر سر خلق پاینده دار به توفیق طاعت دلش زنده دار^۱
و این ضرب‌المثل معروف که در نوشته‌اش درج کرده است:
هر دم ازین باغ بری می‌رسد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد^۲
در زیر برخی از ابیات وی آورده می‌شود:

تا بود چرخ را جنوب و شمال تا بود ماه را مدار و مسیر
تخت بادش همیشه چرخ بلند تاج بادش همیشه بدر منیر^۳

*

بود در آسمان تا مهر را نور مبادا عکس او از چتر شه دور^۴

*

عمرش دراز باد که چرخ عطیه‌بخش از هر عطیه‌ای که دهد عمر خوش‌تر است^۵

*

الهی تا جهان را آب و رنگ است فلک را سیر و گیتی را درنگ است
جهان را وقف این صاحب‌قران کن فلک را یار این گیتی‌ستان کن^۶

*

زحوض آن که بر او سایلان سوال کنند همی سوال بخواهد زسایلان به سوال^۷

*

خدایا! تو این شاه آگاه را برارنده افسر و گاه را
بنه بر سر آسمان تخت او همان کن که او خواهد از بخت او^۸

*

۱. مجلس دهم، مجالس جهانگیری، ص ۲۱.
۲. مجلس چهل و هفت، همان، ص ۱۱۸.
۳. مجلس سی و هشت، همان، ص ۹۴.
۴. مجلس چهل و یک، همان، ص ۱۰۲.
۵. مجلس پنجاه و یک، همان، ص ۱۲۹.
۶. مجلس شصت و یک، همان، ص ۱۵۲.
۷. مجلس پنجاه و چهار، همان، ص ۱۳۶.
۸. مجلس چهاردهم، همان، ص ۳۷.

گل باغ شه عالم افروز باد	چراغ شیش مشعل روز باد ^۱
* 	
داد در این ملک برانداخته	در پر سیمرغ وطن ساخته ^۲
* 	
همه فیلسوفان رده بر رده	به پایه گه تخت شه صف زده
به مقدار هر دانش از بیش و کم	همه درفشان گفت و گویی به هم ^۳
* 	
تا نباشد شام را آثار صبح	باد دایم صبح بدخواهش چو شام
بخت را دست نکوخواهش به دست	چرخ را پای بداندیشش به دام ^۴
* 	
خداوندا به پیران جوان بخت	که تا هست آسمان چتر و زمین تخت
* 	
به زیر پای تخت شاهی اش باد	به تارک چتر ظل الهی اش باد ^۵
* 	
بر تخت کشیده اربعین ها	بر تاج فشانده آستین ها ^۶
* 	
زندگانش جاویدانی باد	شب و روزش به شادمانی باد ^۷
* 	
تا به از عمر و مُلک چیزی نیست	باد از عمر و ملک برخوردار ^۸

-
۱. مجلس دوم، مجالس جهانگیری، ص ۶.
 ۲. مجلس چهارم، همان، ص ۶.
 ۳. مجلس هفتم، همان، ص ۱۳.
 ۴. مجلس هفتم، همان، ص ۱۴.
 ۵. مجلس نهم، همان، ص ۱۸.
 ۶. مجلس بیستم، همان، ص ۵۲.
 ۷. مجلس بیست و شش، همان، ص ۶۵.
 ۸. مجلس چهلم، همان، ص ۱۰۰.

آثار عبدالستار لاهوری

آثار عبدالستار لاهوری عبارتند از:

مرآت القدس: مرآت القدس یا داستان مسیح^(ع) از مهم ترین و معروف ترین آثار عبدالستار لاهوری است که مشتمل بر زندگی حضرت عیسی^(ع) است. وی این کتاب را به فرمایش پادشاه اکبر بدانستن زندگی و احوال پیغمبر حضرت عیسی با همکاری کشیش زیرونموشویر در آگره در سال ۱۵ اردیبهشت ۱۰۱۳/۱۶۰۲م از پرتغالی به فارسی برگردانده است. ولی زیرونموشویر، نویسنده اصل این کتاب است^۱. پادری زیرونموشویر، موضوع و تاریخ تألیف این کتاب را در خاتمه مرآت القدس این چنین بیان نموده است:

«این نامه گرامی و دیباچه سعادت، بنده پادری زیرونموشویر فرنگی از طایفه صحبت (!) حضرت عیسی به حکم شاهنشاه دوران، خدیو روشن جان، برای روزگار (!) جلال الدین اکبرپادشاه - خلد الله ملکه و سلطانه - از انجیل مقدس و دیگر کتب پیغمبران در دارالخلافة آگره فراهم آورده، مولانا عبدالستار بن قاسم لاهوری به اتفاق این بنده در همان دارالخلافة آگره ترجمه کرد در سنه هزار و ششصد و دو از ولادت حضرت عیسی مسیح و چهل و هفت الهی انجام یافت. تحریر فی التاریخ هشتم ماه رمضان المبارک که در روز چهارشنبه سنه هزار و بیست و هفت»^۲.

این کتاب بر چهار قسمت تقسیم شده است^۳. قسمت اول درباره زندگی ابتدایی و آغاز تحصیلات پیغمبر حضرت عیسی مسیح است. در قسمت دوم به معجزه ها و کرامات او پرداخته شده است. قسمت سوم درباره رنج ها و محنت های پیامبر در موعظه مذهب خود میان مردم و سرانجام مرگ اوست، و در قسمت چهارم برخاستن از قبر و عروج او به آسمان را بیان نموده است. ولی جایی دیگر حافظ احمدعلی خان چهار

۱. نورانی نژاد، آئینه میراث، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

۲. مرآت القدس، نسخه لندن.

۳. نورانی نژاد، آئینه میراث، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

باب کتاب مرآت‌القدس را چنین آورده است^۱:

باب اول: زمان طفلی حضرت عیسی^(ع) باب دوم: تحصیلات و معجزات حضرت عیسی^(ع) باب سوم: رحلت باب چهارم: حیات ثانی حضرت عیسی^(ع)

تاکنون تعدادی از نسخه‌های خطی این کتاب شناخته شده‌اند، که Sir Edward Maclagon همه ۱۱ نسخه خطی این کتاب را در کتاب معروفش "The Jesuits and the Moghul" با اختصار بررسی و معرفی کرده است. از این میان دو نسخه خطی موزه لاهور، پاکستان به شماره M.S.No.46 و دیگر موارد نسخه‌های موجود در بریتیش لایبریری، لندن به شماره I.O Islamic 940 که به دست دکتر محمد سلیم مظهر مراجعه شده است، هیچ تفاوتی ندارند^۲.

نسخه‌های متعدد خطی این کتاب که در کتابخانه‌ها و موزه‌های دنیا یافته شده، در ذیل نقل شده‌اند، عبارتند از^۳:

۱. دو نسخه این کتاب در انجمن آسیایی بنگال، کلکته موجود است، که یکی از آن نسخه‌ها به تاریخ ۱۶۰۴م در بردارنده مهر و نشان اکبر دارد.
۲. دو نسخه خطی این کتاب در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود که یکی از آن به تاریخ ۱۶۱۸م و دیگری به قرن هجدهم است.
۳. یک نسخه در مدرسه مطالعات شرقی، لندن دارای یادداشتی به قلم زیروشموشویر وجود دارد. این نسخه به سبب داستان یادداشتی مؤلف اصلی آن کتاب زیروشموشویر اهمیت بیشتری دارد.
۴. یک نسخه در کتابخانه بادلیان (آکسفورد) نگهداری می‌شود که بر آن نشان صلیب مزین ثبت شده است و گفته می‌شود که این نسخه به پادشاه اکبر پیشکش نموده بود.
۵. یک نسخه در کتابخانه گوته شامل نکات و توضیحاتی از زیروشموشویر است که از همه نسخه‌های تاکنون دریافت شده، این نسخه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۱. معارف جلد هفدهم، نمبر ۱، ص ۵۸.

۲. مقدمه، مجالس جهانگیری، ص ۳۹.

۳. عبدالستار لاهوری و نسخه خطی سمره الفلاسفه، ص ۱۲۲ الی ۱۲۳.

۶. نسخه‌ای شامل یادداشت‌های زیروشموشویر در بریتیش لایبریری لندن به شماره I.O. Islamic 940 که به دست دکتر محمد سلیم مظهر مراجعه شده است، وجود دارد. این نسخه از همه نسخه‌های مرآت‌القدس که تاکنون یافته شده‌اند، اهمیت بیشتری دارد.

۷. نسخه‌های متعدد خطی این کتاب در کتابخانه‌هایی مانند کاسانتا (روم)، Bibliotheque Nationale (پاریس)، گوته (آلمان)، نیز نگهداری می‌شود. عارف نوشاهی در مقدمه مجالس جهانگیری نوشته است که یک نسخه متعلق به موزه لاهور پاکستان به شماره M.S.No.46 بتاریخ ۱۶۰۲م است که دربردارنده مهر و نشان پادشاه اکبر است، ولی ناقص است. علاوه بر آن، دو نسخه خطی این کتاب در کتابخانه خدابخش پتنه هند یکی به شماره ۶۴۹ و دیگری به شماره ۶۵۰ موجود است.^۱ ولی مارشال در معروف‌ترین کتابش «مغولان در هند» تعداد کثیری از نسخه خطی مرآت‌القدس را ذکر کرده^۲ که عبارتند از:

۱. ایوانف (فارسی) - ۲۱۶۳۵ - ایوانف (کرزن) - ۶۶۵
۲. بانکی پور - ۶۵۰/۸ - ۴۶۴۹ - آصفیه (حیدرآباد) - ۱۵۴۰/۲، ش ۳.
۳. موزه لاهور (نک: استوری، ص ۱۶۴) - ۶ - بادلیان (آکسفورد) - ۳۶۴
۴. ریو - ۳/۱ - منچستر (جان رایلندز) ص ۱۷۷، ش ۸۳۲
۵. ایندیا آفیس (فارسی) - ۱۰۶۱۹ - بلوشه - ۱۳/۱
۶. کالج ایتن - ۱۲۲۱۵ - گوتا - ۳۴
۷. کلارک - ص ۱۸۰ ش ۱۵۹.

داستان احوال حواریان یا وقایع حواریان دوازده‌گانه

کتابی در شرح زندگی‌نامه دوازده حواری، تألیف اصلی زیروشموشویر است که عبدالستار لاهوری با همکاری زیروشموشویر در سال ۱۶۰۵/۱۰۱۴م از زبان پرتغالی

۱. مقدمه مجالس جهانگیری، ص سی و نه.
 ۲. مغولان در هند، مارشال، ص ۳۹۰.

به فارسی نقل گردیده است. بخشی از ترجمه این کتاب چند ماه پیش از مرگ پادشاه اکبر در سال ۱۶۰۵م به خدمت او درآورده و بقیه بعد از اختتام ترجمه این کتاب در سال ۱۶۰۷/هـ/۱۰۱۶م به خدمت جهانگیر درآورده و بنام وی تقدیم گردیده است. بخشی از آن کتاب سرگذشت حواری Saint Petros بنام «داستان سن پدرو» در سال ۱۶۳۹م به کوشش لودوریکودی Ludorico de Dieu از زبان فارسی به لاتین ترجمه شده است. ترجمه اردو آن کتاب در سردهانه در سال ۱۸۹۴م به عنوان «باره آپستل» چاپ شده است.^۱

نسخه‌های متعدد خطی این کتاب در کتابخانه آسیای بنگال (کلکته)، کتابخانه لوون، کتابخانه کالج سرامپور، کتابخانه ملی فرانسه، و کتابخانه مدرسه مطالعات شرقی لندن وجود دارد.^۲

گزیده ظفرنامه: خلاصه گزیده ظفرنامه، از مهم‌ترین آثار دیگر عبدالستار لاهوری است. وی به حکم پادشاه جهانگیر کتابی به نام ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی معروف به «ظفرنامه تیموری»^۳ در اجمیر در سال ۱۶۱۵/هـ/۱۰۲۴م زبان و فهم عام تلخیص کرد و آنرا به خدمت وی تقدیم نمود.^۴ عبدالستار لاهوری خود، سبب تلخیص این کتاب چنین بیان نموده:

«پوشیده نماند که شرف‌الدین علی یزدی - که در فن نظم و نثر و شیوه شعر و انشاء سرآمده فصحای روزگار و یگانه بلغای زمان خویشتن بود، در عهد سلطنت خاقان سعید مغفور میرزا شاهرخ بن امیر تیمور صاحبقران... مبارک و میمون گرداناد بحرمت النبی و آله الامجاد و این کمترین را از اخلاص و اعتقاد

۱. منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ص ۴۶۰. Story, 1, 165-166

۲. عبدالستار لاهوری و نسخه خطی سمرة الفلاسفه، چاپ آئینه میراث بسال ۱۳۷۷، ص ۱۲۲ الی ۱۲۳.

۳. ظفرنامه تیموری از معروف‌ترین کتاب‌های تاریخ در قرن نهم است که مولانا شرف‌الدین علی یزدی، به درخواست ابراهیم سلطان بن شاهرخ به تقلید تاریخ جهانگشای جوینی در سال ۸۲۸هـ تألیف کرده است. و مطالب آنرا بیشتر از ظفرنامه نظام‌الدین شامی اقتباس کرد.

۴. مغولان در هند، مارشال، ص ۳۹۰.

و سعی و کوشش خویش برخوردار و بهره‌مند گردانیده به مراد رساناد^۱. این کتاب شامل دیباچه‌گزینه از نخستین باب به‌عنوان «گفتار در تولد حضرت صاحبقرانی آغاز می‌شود و به آخرین باب با عنوان «ذکر احوال سلطنت امیرزاده سلطان و سبب زوال آن بر سبیل اجمال» به اختتام می‌رسید. علاوه بر آن در خاتمه کتاب مقاله‌ای به‌عنوان «مقاله در ذکر خصایص که صاحبقران سعید مغفور در آن منفرد بود و تعداد اولاد امجاد و اعقاب کامیابش که هنگام واقعه ضروری آن حضرت جهان به فرّ طلعت ایشان روشن و مزین بود آمده است. تاکنون سه نسخه خطی این کتاب شناخته شده که عبارتند از:

۱. نسخه خطی کامل این کتاب به خط نستعلیق در موزه بریتانیا، لندن به شماره Add.16685
۲. نسخه‌ای در کتابخانه بادلیان (آکسفورد) که به شماره ۱۵۹ که مشتمل بر جلد اول تا وقایع ۸۰۳ هـ است.
۳. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ریو بنام «منتخب ظفرنامه» که به شماره ۱۷۷/۱ نگهداری می‌شود^۲.

سمره الفلاسفه: این اثر از مهم‌ترین آثار عبدالستار لاهوری به‌شمار می‌رود. وی این کتاب را به حکم پادشاه اکبر به‌دانشتن احوال و وقایع حضرت عیسی علیه‌السلام و دین او و داستان‌های پادشاهان و فرماندهان روم و یونان تألیف نموده^۳. و در ۱۳ ربیع‌الاول ۱۰۱۲ هجری به‌خدمت پادشاه اکبر درآورد. ولی جای دیگر پرفسور نبی‌هادی بدون توجه به منابع تاریخ تألیف کتاب سمره الفلاسفه را ۱۰۳۷ هـ نوشته است. این نسخه به خط نستعلیق، مشتمل بر ۲۶۶ صفحه است. فضل‌علی ولد قادریخس سوزنی نسخه این کتاب را در سال ۱۲۴۶ هجری برگردانده بود، ولی کتابت و املای آن نسخه درست نیست و این نسخه کتاب «سمره الفلاسفه» تاکنون

۱. مقدمه کتاب مجالس جهانگیر، ص ۴۰ و شش.
 ۲. معارف، ج ۱۷، نمبر ۱، ص ۵۹، سال ۱۹۲۶.
 ۳. سمره الفلاسفه، ص ۶۰۴، نسخه لندن.

در کتابخانه رضا رامپور نگهداری می‌شود.

عبدالستار لاهوری در این کتاب احوال و وقایع حضرت عیسی علیه‌السلام و داستان‌های پادشاهان روم و یونان و حکمای آن عهد را بیان نموده است. داستان‌های پادشاه و حکمای روم و یونان که در کتاب مندرج شده‌اند در زیر نقل می‌شود^۱:

۱. داستان امولیولپین؛ ۲. داستان نومه‌نون پیلو؛ ۳. داستان مارسویو؛ ۴. داستان پتریو تولیو؛ ۵. داستان ارینایس؛ ۶. داستان کنیس بن بتر؛ ۷. داستان ارتشیر شش؛ ۸. داستان احوال قیصر؛

عبدالستار درین اثر خود، مطالب جالب و مهمی از کتاب مقدس و کتاب سنت اثنین آورده است. وی در نقل آراء و افکار فیلسوفان روم و یونان، فلسفه معرفت‌شناسانه و فلسفه هستی‌شناسانه را توجه داشته است و جای دیگر در نقل عرضه اخلاقی، عبارت پند و اندرز را مورد نظر قرار داده است. غیر از آن عبدالستار لاهوری شرح احوال و افکار حکما و فیلسوفانی همچون افلاطون، تالس، آناکسی‌مندر، آناکساگوراس، فیثاغورس، سقراط، ارسطو، اپیکور، فلوطین و دیوژن را بدین ترتیب در کتابش سمره‌الفلاسفه آورده است^۲. او در این کتاب از میان آن‌ها بالخصوص جنبه‌های تاریخی و فلسفی سقراط، افلاطون و ارسطو نیز شرح و تفصیل دخیل را به اختصار ذکر نموده است. منابع مختلف این اثر با عناوین دیگر یا متفاوتی یاد شده‌اند. مانند ثمرات‌الفلاسفه، احوال فرنگستان^۳، تذکره‌الحکماء، سمره‌الفلاسفه و غیره.

تاکنون چند نسخه این کتاب شناخته شده که عبارتند از^۴:

۱. نسخه موزه بریتانیا، به شماره Or.5893
۲. نسخه براون کامبرج، (King's college (Browne Suppt-770
۳. نسخه در منچستر (جان رایلندر)، ش ۴۴۵، ص ۱۷۷

۱. معارف، جلد ۱۷، نمبر ۱، ص ۵۹، سال ۱۹۲۶.
۲. نورانی نژاد، آینه میراث، ص ۱۲۵، ۱۳۷۷.
۳. نسخه‌ی خطی این کتاب در کتابخانه ریو بشماره ۱۰۷۷/۳ یافته می‌شود که عنوان آن کتاب «احوال فرنگستان» است.
۴. مغولان در هند، مارشال، ص ۳۹۰.

۴. نسخه کتابخانه وکتوریا، پاتریلا (Patriala. P.218.no. 16) (Maclagen).

۵. نسخه کتابخانه آصفیه، حیدرآباد. ۳۴۶/۱ به شماره ۱۱۸ و ۱۶۹.

۶. نسخه در کتابخانه علی گر، ش ۶۷۵/۱.

۷. نسخه مشهد، ش ۷۸/۳.

مجالس جهانگیری: کتاب «مجالس جهانگیری» یکی از منابع مهم و نودریافت در باب تاریخ دوران پادشاه جهانگیر است که به تصحیح دکتر معین نظامی و دکتر عارف نوشاهی از سوی میراث مکتوب، تهران در سال ۲۰۰۵ میلادی به چاپ رسیده است. کتاب «مجالس جهانگیری» از مهم‌ترین آثار عبدالستار لاهوری است که مشتمل بر گزارشات و وقایعی محافل و مجالس شبانه سه سال از ۲۴ رجب ۱۰۱۷ هـ تا ۱۹ رمضان ۱۰۲۰ هـ است که در آگره دارالسلطنت جهانگیر برگزار می‌شد. بیشتر کتاب‌هایی مانند مآثر جهانگیری، اقبالنامه جهانگیری، جهانگیرنامه، و توزک جهانگیری و غیره که در عصر جهانگیر تألیف شده‌اند و به وقایع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و جهانداری و تاریخ رسمی پرداخته‌اند، ولی فقط کتاب «مجالس جهانگیری»، تاریخ غیررسمی، سانه‌های فرهنگی و ادبی و دینی و وقایع شبانه دربار جهانگیر است، شامل اطلاعات مهمی در باره شخصیت‌های مختلف و دانشمندان و آگاهی در مورد رغبت‌های جهانگیر در باب شاعری، علمی، مطالعه کتب و شکار است که پیش از این در هیچ یک از کتب دوران جهانگیر ذکر نشده است. در این کتاب، نیز مهم‌ترین اطلاعات در باره شاعری و اشعار جهانگیر، نقد وی بر شعر شاعران، ارادت به مشایخ، سخاوتمندی، سرپرستی و تشویق جهانگیر نسبت به شعراء و ادباء و علماء و هنرمندان دربار وی بیان شده است. عبدالستار لاهوری به فرمایش جهانگیرشاه تألیف مجالس جهانگیری را آغاز کرد، و تمامی نوشته‌های خود را از نظر جهانگیر می‌گذراند و بعد از تصویب وی شامل کتاب می‌گرداند. احوال هرشب با عنوان «مجلس» آورده شده و جمعاً گزارشات ۱۲۲ مجلس بدون خاتمه

۱. مقدمه، مجالس جهانگیری، ص بیست و نه.

گردآوری شده است. این کتاب تا مجلس ۱۰۹ به طور مسلسل تدوین شده و سپس از مجلس ۱۱۹ تا ۱۲۲ یعنی ۹ مجلس در آن وجود ندارد. به همین سبب در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که تعداد مجالس در این کتاب همین مقدار بوده و یا مجلسی دیگر وجود دارد؟ اما چنان‌که تصحیح آن بر اساس نسخه منحصر به فرد انجام یافته، یعنی نسخه‌ای دیگر از آن وجود ندارد، نمی‌شود نظری قطعی ارائه کرد.

علاوه بر آثار مذکور کتاب‌های «یوسف یهود» و «جاویدان خرد» معروف به صحف ابراهیم که در دین حضرت ابراهیم^(ع) است، از آثار دیگر مولانا عبدالستار لاهوری است. که آن‌را به دستور پادشاه جهانگیر به فارسی نقل و ترجمه کرده است.^۱

نتیجه گیری

در آخر می‌توان به این نتیجه رسید که عبدالستار لاهوری بی‌تردید یکی از دانشمندان صاحب‌نظر دوران اکبر و جهانگیر است که آثار شایسته تحسینی از خود به جای گذاشته و خصوصاً از مترجمان و منشیان طراز اول دوران خود محسوب می‌شود. آخرین اثری که از وی به نام مجالس جهانگیری دریافت شده نه تنها بر ذوق ادبی وی دلالت می‌کند، بلکه به علاقمندی وی در حفظ تاریخ و گزارشات روز دال است. به راستی اگر کتاب مجالس جهانگیری نبود شاید هیچ‌وقت واقعاتی که توسط آن جلوه‌گر شدند در پشت پرده‌های تاریخ می‌ماندند. از لحاظ موضوع نیز مجالس جهانگیری حاوی اهمیت بسزایی است؛ زیرا این اولین کتابی است که نشست‌ها و گردهمایی‌های شبانه و بی‌تکلفانه پادشاهی را تاریخ‌وار ذکر کرده است. اما جای تاسف است که غیر از این اثر، آثار دیگر وی هنوز به چاپ نرسیدند. البته اخیراً بخشی از متن سمره الفلاسفه به چاپ رسیده است. جا دارد که پژوهشگران به تصحیح و چاپ آثار مولانا عبدالستار لاهوری روی بیاورند و این دانشمند فراموش شده را در دنیای ادب به درستی و شایستگی معرفی نمایند.

۱. مجالس جهانگیری، مجلس یکصدونه.

منابع

۱. بدایونی، ملاعبدالقادر، منتخب التواریخ، جلد ۱ تا ۳ قومی کونسل برای فروغ اردو زبان، دهلی نو، ۲۰۱۲ م.
 ۲. سبحانی، توفیق، نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۷.
 ۳. شفق، رضازاده، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه، دهلی نو، ۱۹۷۹ م.
 ۴. عبدالرحمن، سید صباح‌الدین، بزم تیموریه، ج ۲، دارالمصنفین، شبلی آکادمی، اعظم‌گر، ۲۰۱۴ م.
 ۵. عبدالستار بن قاسم لاهوری، اکبری عهد کا فرنگی زبان کا مترجم، حافظ احمدعلی خان ناظم کتابخانه ریاست رامپور، معارف جلد ۱۷، نمبر ۱، جنوری ۱۹۲۶، اعظم‌گر.
 ۶. عبدالستار بن قاسم لاهوری، مجالس جهانگیری، تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی، میرات مکتوب، تهران، ۲۰۰۵ م.
 ۷. عبدالستار لاهوری و نسخه خطی سمره الفلاسفه، ستایش نورانی نژاد، آئینه میراث، شماره اول، بهار و تابستان، سال ۱۳۸۸.
 ۸. فواید الفؤاد و مجالس جهانگیری، نرگس جابری‌نسب، نقد و تحقیق، ج ۱، شماره ۲، دهلی نو، ۲۰۱۵.
 ۹. مارشال، دارا نوسروانجی، مغولان در هند، تهران، ۱۳۸۹ ش.
 ۱۰. معانی، احمد گلچین، کاروان هند، جلد ۱، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ ش.
 ۱۱. معرفی نسخه «گوی و چوگان» نوشته میر علی الکاتب، عبدالغفور، معارف نمبر ۱، جلد ۳۹، اعظم‌گر.
 ۱۲. نعمانی، علامه شبلی، شعرالعجم، ج ۳، دارالمصنفین، شبلی آکادمی، اعظم‌گر، ۲۰۱۴ م.
 ۱۳. نقوی، دکتر شهریار، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ۱۳۱۴ ش، چاپخانه دانشگاه تهران.
14. Browne, E. G, A literary History of Persia, Volume III – IV, Goodword, New Delhi, 2002.

15. Ghani, M.A: The History of Persian Language and Literature at the Mughal Court, Allahabad, 1930.
16. Hadi, Nabi; A dictionary of Indo-Persian literature; New Delhi, 2005.
17. Parsad, Beni, History of Jahangir, Bharatiya kala Prakashan, Delhi, 2013.
18. Rahman, M.L, Persian Literature in India during the time of Jahangir and Shahjahan, Baroda, 1970.